هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکربند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

بی ثباتی در شمال کشور پی آمدهای مخربی به دنبال دارد

ص۳

شرم از تاریخ!

ص۵

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ هفتم ۲۵ثور – ۱۳۸۹ – اول ربیع الاخر ۱۴۳۱ 15 May 2010



هدف عمده از سفر کرزی به امریکا

فکر می شود، استراتیژی امریکا در افغانستان دو بخش دارد، بخش نخست این استراتیژی شامل مسایلی چون جنگ با طالبان و القاعده، عقب نشینی از افغانستان، تقویت نهاد های حکومتی در افغانستان و مسایل دیگر می شود و بخش دیگر آن برخورد و رفتار با آقای کرزی می باشد.

بخش دوم استراتیژی امریکا یعنی رفتار و مدیریت آقای کرزی، مانند بخش نخست آن برای امریکا درد سرساز بوده است. امریکا در طول ۵ سال نخست سیاست تقویت و بالا کشیدن آقای کرزی را دنبال کرد، بر اساس این استراتیژی، امریکا از آقای کرزی به عنوان نمونه رهبر موفق یک کشور پسا بحران ستایش می کرد، برخی از رهبران امریکا در مورد بحران عراق می گفتند، علت افزایش پیچیدگی در جنگ عراق این است آن کشور فاقد رهبری مانند آقای کرزی است، اما این استراتیژی در سال ۲۰۰۶ زمانی دچار تغییر گردید که تازه امریکا متوجه شد که قسمت مهمی از مشکلات رو به افزایش افغانستان همان آقای کرزی است، فساد روز افزون در حکومت افغانستان امریکا را وادار کرد تا استراتیژی خویش را در مورد مدیریت آقای کرزی تغییر بدهد و در پهلوی حمایت از وی، یک گفتمان نرم انتقادی را آغاز کند. این گفتمان نرم انتقادی با آمدن اوباما به کرسی ریاست جمهوری امریکا به گفتمان سخت انتقادی یا به گفته آقای کرزی، به یک کشتی نرم تبدیل اداره دموکرات ها کرزی را نمونه یک رهبر ناکام و مافیایی خواندند. انتقاد های شدید اداره اوباما مخصوصاً قبل از پیروزی، برخی را واداشت که گمان کنند امریکا حمایت از آقای کرزی را کنار گذاشته و در فکر جابجای قدرت در افغانستان است، اما جریان انتخابات ۲۹ اسد نشان داد که این تصور

ص ۲

مارجه و تصویری از ابتکار در جنگ

ص۳

استفاده ازآموزه های دینی برای کاهش فقر وکمک به آسیب دیدگان

مهدی

با وجود آن که از نه سال بدین سو جامعهٔ بین المللی کمک های زیادی را به افغانستان انجام داده وده ها میلیارد دالر به کشورما سرازیر گردیده است، اما با این وجود میزان فقر وبیکاری درکشور بصورت سرسام آوری بالا بوده وافغانستان درجملهٔ فقیرترین کشورهای دنیا قراردارد.علاوه برفقر وبیکاری، آفات طبیعی مانند سرازیرشدن سیلاب ها، بارندگی های طولانی، خشک سالی، زمین لرزه، برف کوچ ودیگر آفات طبیعی همیشه شماری ازمردم ما را دچار آسیب دیدگی های شدید جانی ومالی می کند وباعث تخریب خانه ها وکشت زار ها می گردد.

متأسفانه دولت در رساندن کمک به آسیب دیدگان ونیازمندان، کارهای قابل توجهی انجام نمی دهد یا با کندی عمل می کند، که درنتیجه باعث افزایش تلفات جانی وخسارات مالی می گردد.

لازم است دولت توجه جدی به این امر نشان بدهد وبا راه اندازی سازوکارهای مؤثر نهاد های ذیربط را به منظور به عهده گرفتن بهتر این مسوولیت باز سازی وتقویت نماید.

ص۵

راتلونکې پارلماني ټاکنې او د کانديدانو او ولس هيلې

ناصر شفيق



دولت چې د يو جغرافيوي قلمرو، نفوس او حاکميت څخه جوړ هغه قوت ته ويلی کيږي چې تصميمونه نيسي او پريکړې عملي کوي، يا په بل عبادت د اجرائيه، مقننه او قضائيه له دريگونو قواوو څخه عبارت دی؛ هغه مهال يې حاکميت او حکومت د ولسواکۍ د اصولو له مخې قانوني بڼه لري چې د ولس مشارکت ته يې لاره خلاصه کړې وي، يعنې ولسمشر يې انتخابی، قضائيه قوايې آزاده او مقننه يې هم د رياستي يا پارلماني نظامونو د هر يو له بېلابېلو څانګړنو په نظر کې نيولو سره انتخابي او خپلواکه اوسي.

د افغانستان په اساسي قانون کې د دريګونو قواؤ د تفکيک د اصل په بنياد زموږ سياسي نظام يوه داسې رياستي مجريه ده چې ولسمشر يې هم د ولسي جرګې د غړو په څېر د ولس په ټاکنه مينځ ته راځي او حکومت (وزيران) يې پخپله ولسمشر نوموي او د رد يا منلو واک يې ولسي جرګې ته د باور د رايې په ورکولو سره ورکړی دی، ولسمشر د مجريه قوې نېغ په نېغه د رهبرۍ کوونکی دی، د پارلمان د رنګولو حق نلري او پارلمان هم ولسمشر نشي ليرې کولی، البته وزيرانو د سلب اعتماد حق د استيضاح له لارې ولسي جرګې ته حاصل دی، لکه چې د باور رايه ورکول د ولسي جرګې د غړو حق دی.

او په يو هېواد کې پارلمان هغه قوت وي چې د ولسمشر يا مجريه قوې لخوا د هېواد د سياست اساسي کرښو ټاکلو، مهمو تقرريو او د اساسي قانون له مخې د خپلو دندو په چوکاټ کې د حکومت څارنه، قانون جوړونه او د ولس د استازيتوب دريګوني دندې ترسره کوي. نو له همدې امله په يو هېواد کې پارلمان د خپل وظيفوي رسالت له مخې هغه مهم تقنيني ارګان او قوه ده چې غړي يې بايد په ډېر فکر او تدبر سره ولس وټاکي: يعنې هغه څه چې د پارلمان او په ځانګړې توګه د ولسي جرګې د دندو په نظر کې نيولو سره د ولسي جرګې په کانديدانو کې يې شتون په کار دی په نظر کې ونيسي او هغه دا دي چې بايد د ولسي جرګې غړي د تقنين (قانون جوړونې) لپاره لازمه وړتيا چې عبارت له حقوقي پوهې، اسلامي پوهې او عرف او عاداتو له پوهې څخه عبارت دی، ولري. څکه هغه څوک چې له اسلام څخه پوره پوهه او حقوقي پوهه، سياسي بصيرت او د هېواد د خلکو په ارزښتونو.

۵مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچۀ قصابی، دست چپ، کوچۀ چهارم
شمارۀ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

بی ثباتی در شمال کشور پی آمدهای مخربی به دنبال دارد

اخبار وگزارش ها ازشمال وشمال شرق افغانستان بیانگربی ثباتی و رو به وخامت نهادن امنیت در این ولایات است، درهفته های اخیر فعالیت های افراد مسلح مخالف در ولایات بغلان قندز، تخار، بدخشان، سمنگان، مزار شریف ودیگر ولایات شمال بیشترشده وامنیت راه ها با تهدید جدی روبرو گردیده است.

برخی گمان می کنند، برهم خوردن امنیت در شمال کار شماری از منابع دولتی وحتی نیروهای خارجی است. درسال گذشته گزارش های وجود داشت که افراد مسلح توسط چرخبال های ناشناخته به مناطقی در شمال منتقل گردیده اند. همچنان درآن زمان گزارش های مستندی به نشر رسید که افراد پولیس، سلاح وامکانات خویش را در اختیار افراد مسلح مخالف گذاشتند.

اگر چنانچه افزایش نا آرامی های اخیر با گزارش های مذکور رابطه داشته باشد ودرآن دست خارجیان ویا منابعی در دولت افغانستان دخیل باشد، می توان گفت که اقدام پرمخاطرۀ در حال انجام است.

افزایش نا آرامی ودرگیری مسلحانه درشمال می تواند پی آمد های منفی فروانی به دنبال داشته باشد، یکی ازاین پیامد ها امکان سرتاسری شدن شورش درکشوراست. تاکنون شورش های مسلحانه عمدتاً درجنوب، جنوب شرق وجنوب غرب متمرکز بود، سایر نقاط کشور درحالت نسبتاً آرام وصلح آمیز قرار داشتند، توسعه نا آرامی ها به سایر نقاط، نیروهای دولتی وبین المللی را دروضعیت دشواری قرار می دهد، این وضعیت، افراد بیشتر وامکانات گسترده تری نیاز دارد که تأمین این افراد وامکانات برای دولت ونیروهای بین المللی کار آسان نخواهد بود.

شمال ودیگر مناطق آرام وباثبات کشور درجنگ علیه گروه های مسلح مخالف، حیثیت پشت جبهه وعمق استراتیژیک برای دولت را دارد، این پشت جبهه افراد نیروهای مسلح کشور را تامین می کند وازنگاه سیاسی ساحات وفادار به دولت حساب می شود. گسترش نا آرامی می تواند دولت را از این پشت جبهه و ساحات تحت کنترل وحمایت کننده محروم سازد.

با افزایش نا آرامی وبد امنی شاید شماری ازعساکر اردو وپولیس ملی که در نقاط دیگر کشور در برابر مخالفان قراردارند، مجبور گردند برای تأمین امنیت خانواده های شان به روستاهای خویش برگردند. همچنان مشکلات جدی در زمینه رفت وبرگشت آن ها ایجاد گردیده ومانع رفتن آن ها به محل های وظیفه خواهد شد.

اما اگر بپذیریم که دولت بصورت مستقیم دراین شورش ها دست ندارد، نمی توان پذیرفت که اقدام ها وکارکرد دولت بصورت غیر مستقیم دراین امر تأثیری نداشته است. فساد روز افزون در دولت، عدم رسیدگی به خواسته های مشروع مردم، بصورت غیر مستقیم درایجاد این بی ثباتی ونا آرامی تأثیر داشته وباعث ازمیان رفتن حمایت مردم از دولت شده است.

بادرک این موضوع دولت باید اهمیت آرامش درشمال را درک کند وبه منظور مقابله با شورشگران، اقدام های جدی را روی دست گیرد وقبل ازآن که دیرشود، برای این مشکل راه حل اساسی بیابد.

آقای رئیس جمهور!

اما نتایج مبارزه شما با فساد در افغانستان هم معلوم نمی شود



آقای کرزی در سخنرانی که در کانگریس امریکا در سفر اخیر ش به آن کشور داشته گفته است: "مبارزه با فساد در افغانستان جاری است، اما نتایج آن در امریکا معلوم نمی شود."

در صحت قسمت اخیر سخنان رئیس جمهور کرزی شکی وجود ندارد، شاید در امریکا هیچ اثری از مبارزۀ وی علیه فساد گسترده در حکومت افغانستان دیده نشود به همین علت امریکاییان که در کشور ما هزینه های جنگ را تأمین می کنند و متحمل تلفات می شوند، به خود حق می دهند، متوجه کارکرد حکومت افغانستان باشند و از این که می بینند فساد موجود در دولت افغانستان باعث ضایع شدن پول های آنها شده و جان سربازان شان را به خطر می اندازد، ناراحت می شوند و به حکومت افغانستان و رئیس جمهور کرزی که همه قدرت را در دست خویش و همکاران نزدیکش متمرکز نموده است، فشار می آورند و یا تقاضا می کنند که علیه فساد مبارزه کند و یک حکومت پاسخگو و حسابده بسازد.

اما قسمت نخست سخنان رئیس جمهور که گفته است « مبارزه با فساد در افغانستان جاری است» متاسفانه نمی توان تأیید کرد، این چه مبارزۀ است که جریان دارد. اما بجای آن که بر اثر این مبارزه فساد کاهش یابد، این معضل اجتماعی و اداری ریشه دارتر و گسترده تر می گردد؟

چون نتیجۀ در میان نیست و هیچ پیشرفتی در کاهش و یا محو فساد دیده نمی شود، پس ادعای جریان مبارزه هم فریبی بیش نیست.

فساد در حکومت افغانستان بیشتر از آن که منافع امریکا بیان را تهدید کند، زندگی را برای مردم افغانستان تلخ ساخته است.

اگر آقای کرزی می گوید نتایج مبارزۀ او علیه فساد در امریکا معلوم نمی شود، برای مردم افغانستان باید چه بگوید؟

کسی در افغانستان شک ندارد که فساد در حکومت رو به گسترش است و هیچ کاستی در میزان این بلای اجتماعی رونما نشده است. پس نتایج این مبارزۀ آقای کرزی ارضد فساد در کجای دنیا معلوم می شود؟

این می تواند یک معما باشد که حل آن نیاز به مطالعه و پژوهش دارد، شاید مبارزه با فساد آقای کرزی مانند دیگر پدیده های اجتماعی و سیاسی جهان امروز در سایۀ گلوبولایزیشن، جهانی شده باشد و نتایج آن در جاهای دیگر دنیا معلوم شود.

باید پژهشگران در نظر داشته باشند که اگر کشورهای دیگر که در سالیان گذشته دارای ریکارد بدی در مبارزه باشند و امسال در وضعیت بهتری قرار گرفته اند، ممکن است نتایج مبارزۀ آقای کرزی از آن کشورها سر بدر کرده و نتایج خود را در آن جا هانشان داده باشد، این می تواند موفقیت بزرگی برای رئیس جمهور افغانستان حساب گردد. اما همه می دانند که این فرضیه شوخی بیش نیست. آن حقیقت تلخی را که می خواهم بیان کنم این است که بر خلاف ادعای رئیس جمهور که گفت مبارزه در افغانستان جاری است، هیچ هیچ اراده یی در حکومت افغانستان برای مبارزه با فساد وجود ندارد و چون که مبارزه های انجام نمی یابد و جریان ندارد، پس نتیجه ای دیده نمی شود، نه در افغانستان و نه در امریکا!

هدف عمده از سفر کرزی...

نا درست بود و آقای کرزی همچنان با اعتماد ترین فرد برای امریکا است. این سیاست تا سفر اوباما به افغانستان در ماه حمل امسال ادامه یافت، اما در نتیجۀ عکس العمل شدید آقای کرزی این استراتیژی دچار تغییر گردید.آقای کرزی با شدت در برابر استراتیژی تطمیع و تهدید امریکا واکنش نشان داد و تهدید کرد که اگر انتقاد های امریکا پایان نیابد به طالبان خواهد پیوست و افغانستان را کشور اشغال شده اعلان خواهد کرد. درست دو هفته پیش بود که بالاخره امریکا تصمیم گرفت استراتیژی خویش را در رابطه با مدیریت کرزی تغییر دهد؛ در نسخه جدید استراتیژی امریکا در رابطه با آقای کرزی، دیگر انتقاد و تهدید آشکار حذف گردیده است، اما هنوز نکات عمده این استراتیژی روشن نشده و همچنان در هالۀ از ابهام قرار دارد، اما آنچه که واضح است، این است که دیگر ظاهراً انتقادی در کار نیست.

سفر اخیر آقای کرزی به تاریخ ۱۹ ثور به امریکا، نقطه آغاز و اعلان استراتیژی جدید امریکا در رابطه با رئیس جمهور می باشد. در این سفر اوباما با کارمندان کاخ سفید و وزارت خارجه امریکا و همچنان کارمندان رسانه های آن کشور گوشزد نمود که از استراتیژی جدید وی در مورد آقای کرزی پیروی نموده و با احترام با وی بر خورد نمایند.

این سفر که با دعوت و ابتکار اوباما صورت گرفت، هدف عمده آن نهایی سازی استراتیژی امریکا در رابطه با رئیس جمهور افغانستان بود. فکر می شود استراتیژی جدید امریکا در رابطه با آقای کرزی تا یک سال دیگر یعنی تا جولای ۲۰۱۱ که خروج نیروهای امریکایی از افغانستان آغاز می گردد. ادامه یابد، در این مدت که امریکا نیاز دارد تا در جنگ علیه تروریزم موفقیت نشان دهد، همکاری صمیمانه تر آقای کرزی می تونذ تأثیر مهم براین موفقیت داشته باشد.

پس از این تاریخ امریکا نیاز احساس خواهد کرد تا استراتیژی خویش را به صورت کامل از جمله رهبری افغانستان بازنگری نماید.

البته آنچه که جای انتقاد را در استراتیژی امریکا در رابطۀ با آقای کرزی گرفته است. تا هنوز مشخص نشده و احتمالا در این مورد با خود وی هیچ صحبتی صورت نخواهد گرفت.

البته رهبران امریکا به صورت کامل انتقاد را در رابطه با آقای کرزی کنار نگذاشته اند، بلکه انتقاد در گفتگو های رهبران امریکا با آقای کرزی به عنوان یک نکته اصلی باقی خواهد ماند، در همین سفر هم اوباما با قاطیعت نگرانی خویش را از فساد روز افزون در حکومت افغانستان به آقای کرزی گوشزد نموده است، اما این انتقاد ها دیگر در رسانه ها انعکاس نمی یابد. افزون بر این اوباما دیدگاه های خویش را در مورد حکومت داری خوب در افغانستان، جرگه صلح، حمایت دراز مدت امریکا از افغانستان، آغاز خروج نیروهای امریکایی در جولای ۲۰۱۱، صلح با طالبان، با آقای کرزی در میان گذاشته است. همچنان در زمینۀ تغییر رفتار امریکا با آقای کرزی در ملاقات با وی مطرح شده و از وی خواسته شده است تا پس از این همکاری بیشتری برای تطبیق استراتیژی امریکا در افغانستان نشان بدهد.

آنچه که به عنوان دست آورد سفر آقای کرزی به امریکا از آن صحبت می شود، شماری از گفتمان های رسانه ای است که برای آرایش تشریفاتی این سفر برنامه ریزی شده و هیچ یک آن موضوع جدی در بر ندارد.

وحید مژده

مارجه و تصویری از ابتکار در جنگ!

مـدتی قبـل نیروهـای امریکـایی در افغانـستان خبـر دادنـد کـه قـرار اسـت دامنهٔ عملیات مـشترک از ولایـت هلمنـد بـه قنـدهار کـشیده شـود. هـدف از ایـن عملیات، رانـدن طالبـان از ولـسوالی هـای اطـراف قنـدهار و تحکـیم پایـه هـای حکومت در این مناطق خوانده شد.

جنـرال دیویـد پترائـوس فرمانـده نیروهـای امریکـایی در منطقـهٔ سـفر غیـر مترقبـه ای کـه بـه قنـدهار داشـت گفـت کـه امکـان دارد شورشـیان طالـب مقاومـت نمـوده و از سـنگرهای شـان بـه دفـاع بپردازنـد. وی هـشدار داد کـه دشـمن بـرای جلـوگیری از پیـروزی نظامیـان و مـأمورین ملکـی افغـان بـه اعمال خشونت بار دست خواهد زد.

قـرار شـد تـاریخ آغـاز عملیـات مـشترک در قنـدهار بعـداً تعیـین گـردد و پـس از تأییـد و منظـوری رئـیس جمهـور کـرزی، ایـن عملیـات آغـاز شـود. حامـدکرزی در سـفری بـه قنـدهار کـه جنـرال مـک کرسـتال نیـز وی را همراهـی مـی کـرد در اجتمـاع بزرگـان ایـن ولایـت، نظـر آنـان را در مـورد ایـن عملیات پرسـید. شـرکت کننـدگان در ایـن جلسه مخالفـت خـود را بـا ایـن عملیـات ابراز نمودنـد و کـرزی نیـز بـه آنـان وعـده داد تا زمانی کـه آنهـا موافـق نباشـند، وی اجازهٔ این عملیات را نخواهد داد.

مـردم از ایـن نگراننـد کـه عملیـات در اطـراف قنـدهار شـبیه بـه عملیـاتی باشـد کـه در زمـستان در مارجـه صـورت گرفت و تبعـات منفـی آن تـا هنـوز بـرای مردم این منطقه مشکل آفرین است.

در آن عملیـات بعـد از مـاه هـا تبلیغـات سـرانجام در ۱۳ مـاه فبـروری امـسال نیروهـای خـارجی و افغـان عملیـاتی را در مارجـه از توابـع ولـسوالی نـادعلی ولایـت هلمنـد آغـاز کردنـد. از سـال ۲۰۰۱ کـه نیروهـای امریکـایی بـه افغانـستان آمدنـد تـا رژیـم طالبـان را سـرنگون سـازند، ایـن بزرگتـرین عملیـات نظـامی در افغانـستان خوانـده شـد. پـانزده هـزار سـرباز از نیروهـای خـارجی و افغـان در این عملیات شرکت کردند.

ایـن عملیـات از چنـد ویژگـی برخـوردار بـود. از نظـر تاکتیـک رزمـی گفتـه شـد کـه عملیـات منحصر بـه فـرد اسـت زیـرا مـک کریـستال در ایـن عملیـات از تاکتیـک آگـاهی دادن بـه دشمن قبـل از عملیات استفاده کـرد کـه در هـیچ جنگـی سـابقه نداشـت. مـک کریستال قبـل از ایـن عملیـات گفتـه بـود که هدف مـا کـشتن یـا محاصرهٔ طالبـان نیست بلکـه هـدف اصلی رانـدن آنـان از مارجه است.

جیمـز کـاون فرمانـده نیروهـای انگلیسی در ولایت هلمند گفت:

«افغانـستان عـراق نیـست و مقایـسهٔ موفقیـت افـزایش نیروهـا در عراق با افغانستان درسـت نمـی باشـد. امـا شـواهد نـشان مـی دهـد کـه افـزایش نیروهـا مـؤثر اسـت، حتـی منتقـدین یقینـاً تأییـد مـی کننـد کـه اقـدام جـسورانه ضرورت بـود تـا ایـن جنـگ فرسایـشی را بـه یـک مرحلـهٔ جدیـد تبـدیل کنـد. بـه درسـتی کـه اسـتراتیژی آگـاهی دادن قبلـی بـه دشـمن، بایـد در میـان درجـه بندی تاکتیک هـای ناشـناختهٔ نظـامی جـا داده شود. شـرط ایـن بـود کـه طالـب هـا فرار مـی کننـد و تـا انـدازهٔ زیـاد هـم دیـده



بـه روشـنی پیداست کـه عملیـات نظـامی در مارجـه بیـشتر یـک حرکـت سیاسـی بـه منظـور فریب اذهان عامـه در دنیای غرب بـود کـه مـردم از خـود مـی پرسـند مـا در افغانـستان بـه چـه کـاری مـشغولیم؟ بزرگ نمـایی بخـشی از این برنامه است.

شـد کـه چنـین چیـزی درسـت از آب بـر آمد.»

تاکتیـک جدیـد فـراری دادن طالبـان ایـن سـؤال را مطـرح مـی سـازد کـه تعریـف نیروهـای خـارجی از پیـروزی نظـامی در جنـگ چیـست؟ فقـط فـراری دادن دشـمن تـا آنهـا برونـد و در فرصـت مناسـب بازگردنـد و یـا در جـای دیگـر بساط خود را پهن کنند؟

هـدف از ایـن جنـگ بـا ایـن همـه تمهیدات و تبلیغات جـواب بـه ایـن سـؤال مـردم در کـشورهای عـضو ناتوسـت کـه مـی پرسـند مـا در افغانـستان چـه مـی کنیم؟ این مأموریـت تـا چـه زمـانی ادامـه می یابد؟ خطر افغانـستان بایـد بـه صـورت وقفه یـی در اذهـان مـردم در غـرب زنـده نگهداشـته شـود. بایـد در مـردم ایـن ذهنیـت را زنـده نگهـداریم کـه جنـگ در افغانستان به نفع ما به پیش می رود.

روزنامـهٔ نیویـارک تـایمز در ۲۱ فبـروری و یـک هفتـه پـس از عملیـات مارجـه نوشـت کـه بـالآخره بعـد از چهـار سال، ابتکار به دسـت امریکـایی هـا افتـاد. این روزنامه در ادامه چنین نوشت:

هـر مـؤرخ و هـر جنـرال بـه شـما چیز مشابه را خواهنـد گفـت: اگـر شـما در معرکـه و جنـگ ابتکـار را از دسـت دادیـد، دوبـاره بـه دسـت آوردن آن خیلـی دشـوار خواهـد بـود. بـه عنـوان مثـال در جنـگ کوریـا: در اوایـل امریکـایی هـا ابتکـار را از دسـت دادنـد امـا بعـد از یـک عملیـات دراماتیـک و دلاورانـه ابتکـار را دوبـاره بـه دسـت خـود گرفتنـد. بعـد از مـدتی آن را دوبـاره از دسـت دادنـد کـه ایـن جنـگ مبدل بـه یـک جنـگ خـونین شـد و بـی نتیجه به پایان رسید.

روسـیه در اسـتالینگراد بـه خـاطر گرفتن ابتکـار از آلمـان هـا در حـدود یـک میلیون کـشته داد و یـک میلیـون دیگـر را بـه نحـوی صـدمه رسـاندند. در عـراق در سـال ۲۰۰۷امریکـایی هـا درگیـر یـک بازی خیلـی خطرنـاک شـدند امـا بـالآخره بـا یـک هزینـهٔ کمرشـکن توانـستند تـا ابتکـار را بـه دسـت خـود بگیرنـد. ایـن روزنامه در ادامه افزود:

هفتـهء گذشـته ایـن حقیقـت را نمایان کرد که امریکـایی هـا ابتکـار را بـه دسـت خـود گرفتنـد. ۱۵۰۰۰ سـرباز امریکـایی، انگلیـسی و افغـانی در جنـوب افغانـستان در بزرگتـرین عملیـات جنـگ هـشت سـال در افغانـستان بـه منظـور اخـراج طالبـان از شـهرک مارجـه بزرگتـرین پنـاه گـاه آنهـا و برقـرار کـردن یـک نظـام دولتـی فعـال، چیـزی کـه در اینجـا نـادر اسـت، در حـال پیـشروی مـی باشـند. آن سـوی مـرز مـسؤولین امریکـایی و پاکـستانی دسـتگیری یـک فرمانـده ارشـد طالبـان ملاعبـدالغنی بـرادر را در شهر کراچـی پاکـستان تأییـد کردنـد که این سـنگین تـرین ضـربه بـه رهبـری طالبـان بعـد از سـال ۲۰۰۱ پنداشـته مـی شود.

واقعـا مارجـه ایـن همـه ارزش استراتژیک داشـت تـا بـا جنـگ کوریـا یـا نبـرد اسـتالینگراد مقایـسه شـود؟ بـه روشـنی پیداسـت کـه عملیـات نظـامی در مارجـه بیـشتر یـک حرکـت سیاسـی بـه منظـور فریـب اذهـان عامـه در دنیـای غرب بود که مردم از خـود مـی پرسـند مـا در افغانـستان بـه چـه کـاری مـشغولیم؟ بزرگ نمایی بخشی از این برنامه است.

اگـر روایـت روزنامـهٔ نیویـارک تایمز را بپذیریم، در ایـن جنـگ بـه افغـان هـا هـم دروغ گفتـه شـد. نیویـارک تـایمز در مورد رهبری این جنگ نوشت:

شـایعاتی بـه گـوش رسـید کـه جنگ مارجه بـه رهبـری نیروهـای افغـان صورت می گیـرد، امـا حقیقـت ایـن اسـت کـه ایـن عملیـات از نظـارت گرفتـه تـا تدارک و مهمتر از همـه نبـرد، بـه رهبـری امریکایی هـا و انگلـیس هـا صـورت مـی گیرد...

گـزارش گرانـی کـه در عرصـهٔ جنگ حـضور داشـتند حکایـت از آن مـی کردنـد کـه امریکـایی هـا عملیـات را رهبری می کردند در حـالی کـه افغـان هـا نقـش زیـر دسـت را ایفـا مـی کردنـد. در طول یک هفتـه از آغـاز جنـگ، امریکـایی ها و انگلـیس هـا دوازده عـسکر از دسـت دادنـد در حـالی کـه از نیروهـای افغـان فقط سـه سـرباز کـشته شـد. در روز سـوم جنـگ مارجـه، شـیرمحمد جـاجی جنـرال ارشـد افغـانی در عملیـات مارجـه در یـک کنفرانس از این جنـگ شـرحی ارائـه کـرد کـه کـاملاً بـا شـرحی کـه امریکـایی هـا ارائه کردنـد فـرق داشـت و نادرسـت بـود. جنـرال جـاجی از مقاومـت در جنـوب مارجـه سـخن گفـت در حـالی کـه نظامیـان امریکـایی از مقاومـت شـدید طالبان در شمال مارجه خبر دادند...

نـشریهٔ تـایمز چـاپ امریکـا جنـگ مارجـه را از یـک بعـد دیگـر مهـم دیـد و به مردم امریکا چنین مژده داد:

«مارجـه» مجموعـه ای از روستاهای پراگنـده و پرگـرد و غبـار اسـت کـه در میـان ۱۷۰۰هکتـار از مـزارع خـشخاش و یـک مـرداب فریبنـده قـرار دارد. تـا مـدتی پـیش، آنجـا کـانون اتحادیه های بـین‌المللـی مـواد مخـدر بـود که مرزهـای آن تـا اروپـا، روسـیه و خـاور دور کـشیده شـده بـود. سـازمان ملـل بـر این گمان اسـت کـه «مارجـه» بزرگتـرین مرکـز تولیـد تریـاک جهـان اسـت. بنـابر این «عملیـات مـشترک» بزرگتـر و بـیش از یک عملیات عـادی نظـامی تلقـی شـد. ایـن عملیـات بزرگتـرین عملیـات علیـه تولیـد و قاچـاق مـواد مخـدر اسـت کـه تـاکنون انجـام شـده اسـت. ایـن عملیـات نـشان دهنـدهٔ پافـشاری کـاخ سـفید و پنتـاگون بـرای جلـوگیری از رشـد طالبـان بـه کمـک سـودهای حاصـل از مـواد مخـدر و پایـان دادن بـه حمایـت قبایـل پشتون از طالبان است.

اگـر امریکـایی هـا واقعـاً بـه ایـن بـاور هـستند کـه مارجـه بزرگتـرین منبـع تولیـد خـشخاش در جهـان اسـت؛ آنهـا پس از رانـدن طالبـان از ایـن منطقـه چـه مقـدار مـواد مخـدر بـه دسـت آوردنـد؟ ۷۰۰کیلـوگرام تریـاک و ۲۵ کیلـو گـرام هـرویین. نیروهـای امریکـایی ایـن مـسأله را طـوری توجیـه مـی کننـد کـه چـون مطـابق اسـتراتیژی مـک کریـستال از مـاه ها قبل خبـر از ایـن حملـه داده شـده بـود، قاچاقچیـان مـواد مخـدر را بـه جاهـای دیگر منتقل کرده بودند.

امـا امریکـایی هـا نگـران ایـن هـستند کـه در صـورت ممانعـت دهقانـان از کشت خـشخاش، آنهـا دسـت بـه قیـام بزنند. تایمز ضمن اینکـه ایـن نظـر را مـی پـذیرد و طرفـدار نادیـده گـرفتن تولیـد خـشخاش اسـت، از گزینـهٔ دیگـری سخن می گوید:

...گزینـهٔ دیگـری بـرای «مارجـه» وجود دارد: بـه کـشاورزان اجـازه داده شـود تـا خـشخاش را برداشـت کننـد و آن را بـا قیمـت پـایین بفروشـند. سـپس کـسانی را کـه مـی‌خواهنـد آن را قاچـاق کـرده و بـه آزمایـشگاه هـای تولیـد هـرویین در نقـاط دیگـر افغانـستان و بازارهـای جهـانی کـه دورتـر از منطقـه هـستند، بفروشـند، دسـتگیر کننـد. ایـن موجـب تنبیـه و مجـازات قاچاقچیـان و حامیـان طالبـان مـی‌شـود، بـدون ایـن کـه کـشاورزان صـدمه ای ببیننـد. یکـی از فرمانـدهان نـاتو مـی‌گویـد: «هـر موقـع کـه پـول در دسـت کـشاورزان اسـت، بـه ایـن معنـی است که مـا بـه کـامیون هـا و آزمایـشگاه هـای قاچاقچیـان نزدیـک هـستیم. ولـی نیروهـای مبـارزه بـا مـواد مخـدر نگـران ایـن هـستند کـه سـران مـواد مخـدر راه هـای دیگـری را بـرای قاچـاق تریـاک در جاهـای دیگـر، پیـدا کننـد. نیروهـای امنیتـی افغانـستان کـه مـسؤول مراکـز کنتـرل جـاده هـای خـارج از مارجـه هستند، حلقهٔ سست ایـن زنجیـره انـد. هـر سرباز ارتش افغانـستان بـا ۱۶۵دالـری کـه ماهانه می‌گیـرد، بـه راحتـی خـود و شـغل خود را طعمـهٔ یکـی از قاچاقچیـان پولـدار منطقه می کند.

در پـی ایـن عملیـات تـاکنون هـزاران خـانواده مجبـور بـه تـرک خانـه هـای خـود شـده انـد و آژانـس بـاختر از قـول مـسؤولین سـره میاشـت در هلمنـد می گویند که مردمـی کـه فـرار کـرده انـد در وضـع بـد اقتـصادی قـرار دارنـد ولـی سـره میاشـت تـوان کمـک بـه آنهـا را ندارد. ایـن در حـالی اسـت کـه امریکـایی هـا گفتـه بودنـد بعـد از رانـدن طالبـان از مارجـه، برنامـه هـای دقیقـی را بـرای کمـک بـه مـردم محـل روی دسـت خواهند گرفت.

در حـالی کـه عملیـات در مارجـه بـه چنین وضعی منجـر شـده اسـت، بـه قـول فاینـشل تـایمز، نظامیـان امریکـایی مـدعی انـد کـه عملیـات قنـدهار مرحلـهٔ مهـم از عملیـات بـرای عقـب رانـدن شورشـیان طالـب و پیـروزی خـط مـشی حکومـت رئـیس جمهـور اوبامـا در افغانستان خواهـد بـود و دسـت آورد هـای این خـط مـشی هـشت مـاه بعـد ارزیـابی خواهد شد!

بـا توجـه بـه آنچـه گفتـه آمـدیم سـؤالی در ذهـن شـکل مـی گیـرد کـه میـان مـردم افغانـستان و مـردم در غـرب مشترک اسـت و نیـاز بـه جـواب صـادقانه دارد و آن اینکـه آیـا واقعـاً امریکـا و متحـدینش مـی داننـد در افغانـستان بـه چه کاری مشغول اند؟!!

جستاری پیرامون حماسه سرایی

یا تراویده هایی که انجماد جانها را می شکافند

ملکزاد

آثار حماسی یارزمی، که محتوای آنرا دفاع از حق، آزادگی، عشق به وطن، تمامیت ارضی، نوامیس ملی، اهریمن ستیزی و جلوه های ناب دیگر، احتوا می کند، به خاطر آن ارزشمند اند که منبعت از روح آزادی طلبی بوده و بر خاسته از دلهایی می باشند که همواره در مورد هدفمندی سخن و ادبیات اندیشیده وهیچگاهی از هویت ملی و فرهنگی خود غافل نبوده اند!

در این سطور بحث ما بیشتر روی تفکیک محتوایِ اشعار چرخش دارد و اینکه شعر چه هدفی را دنبال می کند.

آثار شعرای معاصرکشور را می توان از چندنگاه مورد بررسی قرار داد که مهمترین آنها عبارت اند از:

۱ـ ارزش و کیفیت سروده ها،
۲ـ تاثیر و نفوذ اشعار در اذهان نیوشندگان،
۳ـ آثاری که در توجیه جنایات دشمنان عقیده و مردم و میهن قرار گرفته اند!

شعرای فوق الذکر قابل احترام اند، به استثنای اخیر الذکر، که سرایندگان آن قدسیتی برای قلم قایل نبوده اند و نیستند.

اما به صراحت می توان گفت که: راه اندیشمندانی که عشق خدا و روان ملی و روح رهیدگی به حیث هسته حماسه، در ادبیات آنها درخشش یافته و تراویده های فکری شان، به حیث یک جریان خروشنده در راستای حفاظت از هویت اسلامی و ارزشهای ملی به کار برده شده ...، محترم ترند وستودنی تر...!

البته این سخن بدان مفهوم نیست تمام متشاعرانی که ولو در صف جهاد و انقلاب اسلامی قرار داشته اند وهرنوشته خام و بی محتوی را، بنام شعر! عرضه داشته اند، شهادت نامهٔ تائید و تحسین را سزاوار باشند. برای توضیح بیشتر لابدیست که افزوده شود: «بسیارند شعرهایی که جوهرهٔ شعری چندانی ندارند، اما به دلایلی محبوب، معروف وحتی جریان ساز می شوند» که نمی توانند از تأثیر و نفوذ شان در امر انقلاب اسلامی چشم پوشید و به ارزشمندی اش صحه نگذاشت. بر خلاف رهروان ضد ارزشی که در آثار خود و لو از لحاظ فن هماهنگ با قواعد و دساتیر ادبی و دارای قوت افادهٔ شعری را ارائه کنند، اشعاری که بیانگر اندیشه منحط خود شان باشد. زیرا موقعیت آنها به گونهٔ شاعران دورهٔ جاهلیت نظیر (بن الزبعری) خواهد بود که در برابرسروده های "حسان بن ثابت» (رض) به تعریف و توجیه با طل می پرداختند ...!

زیرا آنها نه در فکر تعهدی می باشند و نه هم دارای هدف مقدسی اند! نه روح ملی در آثار شان پدیدار است و نه هم هنری جز یاوه پردازی وطعنه زدن به فرا آورده های حق گزینان ژرفا اندیش و اصالت گرای دارند.

بی مناسبت نخواهد بود در این سطور از نوشته دانشمند گرامی دکتر راعی نیز مستفید گردیم که در مقاله پر ارزشی تحت عنوان «هدفمندی ادبیات» بعد از ستایش آثار یکتعداد از شعرا و نویسنده گان اصلاح طلب و آزادی خواه، از جمله محمود طرزی، محی الدین انیس، استاد خلیل الله خلیلی، میر سید قاسم، عبدالهادی داوی، علامه سلجوقی، ملک الشعرا قاری، عبدالعلی مستغنی، شاه عبدالله بدخشی، کریم نزیهی اندخویی، نادم قیصاری (میمنگی) و امثالهم.... در مورد آثاری که در خدمت کرملین و اردوی سرخ و ستاره سرخ و امثال آن قرار داشتند و حضور ارتش روسی را در کشور، خیر مقدم می گفتند و...، نگاشته بود:

«از اوایل قرن بیستم به بعد که بینش انتقادی و اصلاح طلبی. با صبغهٔ اجتماعی و ستایش آن در ادبیات دری با گذشت هر روز نیرو می گرفت، این شیوه آهسته آهسته در آثار بعضی از شاعران و نویسندگان کاملاً بر مبنای طرز دید مارکسیستی استوار گردید که از خصلت طبقاتی بر خوردار بود.

از آنجا که این جهانبینی از جهات گونا گون تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی در جامعه ی ما پدیدهٔ نو به شمار می آمد و با ساختمان اجتماعی جامعه نیز تطابق چندانی بهم نمی ر سانید، شاعران و نویسندگان پیرو این طرز دید بیشتر روی یک نوع تقلید و تفنن حرکت می کردند.

این امر سبب می شد که اینان از ادراک واقعیت های جامعه عاجز بمانند و هر پدیده یی را بر محک معیایر طبقاتی بیازمایند. در حالیکه مردم ما در زیر بارستمگری های ملی رنج می بردند.

بنابر آن روح ملی در آثار این شاعران و نویسندگان جایی نداشت. از طرف دیگر چون این طرزدیدبه طور خاص شکل ابزارسیاسی سیستم شوروی سابق را به خود گرفت، ماهیت علمی آن نیز دگرگون گردید. شاعران و نویسندگان دارای چنین جهانبینی نیز در گرو این متاع سیاسی در آمدند که آرمانهای ملی تحت نام دیدانتر ناسیو نالستی فدای پالیسی مسکو می شد، این کار به جایی کشید که کلمات کرملین. ماسکو. لنین. میدان سرخ. اردوگاه و روس وامثال اینها. هر کدام جایگاه آرمان های فردی و بین المللی این دسته از شاعران و نویسندگان قرار گرفت. سخن از حماسه آفرینی های قهرمانان و پهلوانان ملی کشور انعکاسی از طرز دید عقب گرایی تلقی کردید...!"

تهییج رزمندگان، در توالی عصور و آوان همواره مدنظر ارباب سخن وجنگ آزمایانی بوده و چشم زمانه جریان این دریای خروشان را ، برای همیش شاهد و ناظر خواهد بود.

اشعار حماسی تنها محدود و منحصر به سروده های جهادی -که از قدیست خاصی برخوردار می باشند- نیست، بلکه اطلاق آن به کلیه ادبیات تبلیغی نیز صیحح است و منظور آن همانا، تهییج و بر انگیختن است که بیشترینه در کالبد اشعار یا سروده ها، تبلور می یابند.

در هر دوره ای که قطعهٔ خاکی مورد یورش وحشیانه یورشگران واقع می شود، عقیده وآزادی، به بند اسارت جانیان و برده خصلتان در می آید ، شمشیرها از غلاف ها ونیام ها بیرون کشیده شده و آغوش صخره ها و دره ها و فراز کوهساران، جایگاه دلاور مردان در می آید. صدای اعتراض به طرز دیگری طنین می افگند ومنابر و صفحات کاغذ و کتاب، وسیلهٔ پخش ونشر حماسه، نشر حقایق و تنویر ذهنیت ها قرارمی گیرد...!

آری! این ها اند که هماهنگ با غرش مسلسل تفنگداران صاحب هدف، با احساس دیگر می جوشند و با خطابی فریاد واره می خروشند و هر صدایی را که از دهان تازیانه قابیل زادگان، بر پیکر های زخمدار راهیان هابیل می شنوند، زبان گویای زمانهٔ خویش می شوند و اندوه و درد و رنج کشان را مضاعف شده می یابند. سروده های شعرای حماسه پرداز، به سان زخمهای خونچکانی عمل می کنند که از ذرهٔ ذره جان انسان، بر لحظه لحظه زمان، فرو می چکند و ریزش هر قطره خون، نقش زایش دغدغه مسوولیت را عهده دار می شودوفریادی می گردد برگوش زمانه ، به گوش همهٔ آنانی که باید بپذیرند مسوولیت خطیر و بزرگ و تاریخی، فراروی خویش دارند. تداوم عملیهٔ خیزش و قیام ورزم بی امان، تا طلوع سپیده دم تحقق هدف نهایی و آرمان عالی، از ایجابات و نیاز های اولیه آن است.

سرزمین مرد خیز افغانستان درگستره ازمنه، دستخوش رویداد ها و فراز و فرود های فراوانی بوده که در پهلوی خود شاهنامه سرایی ها و جنگنامه نگاری ها یا انشاد اشعار حماسی، بازتابی بوده از تسلیم ناپذیری و فرو ننهادن سر، در برابر زور گویان و برتری طلبانِ کنج اندیش و فتنه کیش!

داستانهای اوستایی، آفریده های حماسی عصر سامانیان در دوران حکمروایی نصر ابن نوح ابن نصر، همچون شهنامهٔ ابوالمؤید بلخی، شهنامهٔ ابوعلی بلخی، هکذا شهنامهٔ ابومنصوری و مسعودی مروزی، شهنامهٔ فردوسی، شهنامهٔ دقیقی، اکبر نامه اثرحمید کشمیری، حریمی سغدی، بشار بن برد تخارستانی ونظایرآن ،ازاین دست بوده اندو یا از نوع تراویده هایی که انجماد جانها را، شکافته اند.

هرگاه ذکری ازحماسه سرایان دورهٔ اخیر تحولات کشور، یعنی دوران جهاد عظیم ملت مسلمان افغانستان به میان اید، بدون تردید استاد سخن مرحوم خلیل الله خلیلی، در سر حلقهٔ ایشان قرار می گیرد. استاد نامدار ما نه تنها سر آمد و پیشاهنگ حماسه سرایان است، بلکه او را قبل از انقلاب اسلامی کشور نیز، مقامی والا و ارجمند در گسترهٔ تاریخ ادبیات فارسی - دری وجود داشت و از همین روست که استاد بدیع الزمان فروزانفر، او را از سخنسرایان و دانشمندان عصر و در اعداد شعرای سخندان وسحر کار روزگار معرفی می دارد. تمامی نشیده های استاد، به قول لطفعلی «صورتگر» به اشعار مولانا جلال الدین محمد بلخی و حکیم سنایی مانندە است که دلها را به رقص می آورد و با احساسات آدمی، انس و آمیزش دلپذیر دارد...

این ممیزهٔ – چنانچه گفته آمدیم – در اشعار جهادی استاد، پرتو افشانی وجلوه افزایی نمی کند، بل در اشعار قبل از آن نیز چهره نمایی دارد و به قول دکتور صورتکر، تازگی و جوانی (همواره) از ابیاتش می چکد و کلماتی که در اختیار دارد، به چالاکی اسبان تیزتک، پهنه معانی را در می نوردند...

تقریباً همه شعرا و ادبای نامدار دنیای پهناور ادب فارسی ،که معاصر استاد محسوب می شده اند، به مقام والای او و اشعار شور آفرینش و قوت و توانایی که طبع گهرفشان و شگفت انگیز استاد دارا بود اقرار دارند و به ستایش آن می پردازند.

دکتر محمد حسین مشایخی فریدنی را عقیده بر آنست:

"استاد خلیلی بدون شک از اشعر شعرای عصر ماست که شاید بعد از وی قرنها جایش خالی باشد."

و استاد سعید نفیسی، قصاید استاد را در اوج بلاغت توصیف می کند که کمتر کسی را امکان دسترسی به آن مسیر است، به نحوی که هر کلمه آنها، احاطهٔ وی را در ادب هزار ساله دری می رساند.

کار برد واژه های

فارسی دری در شعر کهن عربی

عبدالعلي كوهي استاد دانشگاه كابل

جزیره العرب بین دو تمدن بزرگ دنیا، یعنی آریانا در شرق و روم در غرب قرار گرفته است. بین اعراب و این دو تمدن بزرگ از گذشته های دور پیوندهایی وجود داشته است. پیوند اقوام مختلف عرب با خراسانی ها از نوادر بشری محسوب می شود. این روابط و پیوند از قرن ششم هجری قمری آغاز و تا دولت ساسانی کم و بیش ادامه داشته است، که با ظهور اسلام در شبه جزیره العرب فصل تازه یی از این روابط ادبی و زبانی، تمدنی و فرهنگی، سیاسی و تجارتی میان این دو سرزمین شکل گرفته است.

اسناد و شواهد تاریخی نشان می دهد که تمدن خراسان و پارس قدیم قبل از اسلام در میان اعراب حضور تاریخی پیدا کرده است. به عقیدهٔ ابوحاتم رازی، روبه بن العجاج و فصحاء عرب مثل اعمشی و دیگران کلمات فارسی را در شعر خویش به کار برده اند، تا در کلام شان زیبایی و ظرافت لفظی به وجود آید. سیوطی در المزهر خویش فصلی را به عنوان کلمات معرب فارسی که در زبان عربی راه باز کرده است، اختصاص می دهد. یکی از مظاهر این تاثیر گذاری بعضی از نام ها در دورهٔ جاهلیت است که کلمات فارسی را بعد از تعریب بالای فرزندان خویش گذاشته اند. طوریکه لقیط بن زراره جاهلی نام دختر خود "دختنوس" را به نام دختر کسری "دختنوش" گذاشته است، به همین ترتیب قیس بن مسعود نام پسر خود را "بسطام" گذاشته است که این نام بر گرفته از یکی از ملوک فرس می باشد که اصل آن "اوستام" بوده است. نعمان بن منذر بنام "ابا قابوس" مسما بوده است، در حالیکه قابوس معرب کاووس فارسی است. نابغهٔ ذبیانی نیز این واژه را در شعر خود به کار برده است. در شعار اصحاب معلقات سبع به واژه هایی بر می خوریم که فارسی می باشد. امرئ القیس از شاعران معلقات سبع واژه یی "هیربذ" که همان هیربد است و زبان شناسان عرب آن را حارس النار تفسیر نموده اند. این کلمه در کتاب اوستا به معنی معلم و استاد زردشتی به کار گرفته شده است. عمرو بن گلثوم واژه یی تاج فارسی را در شعر خود به کار برده است. این واژه که در پهلوی تاز بوده و در زبان عربی به باب تفعیل انتقال یافته که از آن توج یتوج ساخته اند. دکتر آذرتاش آذرنوش در مقالات و بررسی های خویش تحت عنوان "الکلمات الفارسیه فی الشعر الجاهلی" کلمات فارسی را که در دیوان شعراء دورهٔ جاهلی به کار رفته است این گونه دسته بندی نموده است:

- طرفه ۱۱ کلمه
- عبید بن الابرس ۱۰ کلمه
- المتلمس ۸ کلمه
- المسیب بن علس ۳ کلمه
- المنخل شکری ۳ کلمه
- الاسود بن یعفر ۵ کلمه
- نابغه ذبیانی ۱۲ کلمه
- علقمه بن عبده ۱۳ کلمه
- العشی ۷۸ کلمه
- عدی بن زید ۱ کلمه
- و امری القیس ۲۴ کلمه (۱: ۹۰)

بررسی واژه گان فارسی دری که از دوران جاهلیت به زبان عربی راه یافته است این واقعیت را به خوبی نشان می دهد که اعراب از طریق به کار گرفتن کلمات فارسی دری، نه تنها زبان خود را غنا بخشیده اند؛ بلکه وسعت اطلاعات و انعطاف پذیری از زبان عربی را در راه بهره گیری از آن آشکار نموده اند. **ادامه دارد**

ببین تفاوت ره از کجاست، تا به کجا!

څپاند

دتيري اوه نـي پـه وروستي ورځـوکي (چهار او پنجشنبه) داخبر خپورشـوچي دانګلستان پـه ټاکنوکي محافظـه کار ګوند بـري ترلاسـه کـړي او دليبرال ديموکرات ګوند سره يوځاي حکومت جوړوي.

همدارنګـه ډيويـد کـامرون دلمړي وزير پـه حيث وپيژندل شـو. پخـواني لمـړي وزيـر (ګـوردون بـراون) دبرتـانيي ملکي تـه دخپـل استعفا وړاندي کولونه پس پـه يـوه څلور لاري کي دنوي لمړي وزير موټرسره مخامخ شـو چي دملکي کتني لپاره روان ؤ.

اول دا چـي دا دوه لـوی مـشران (پخـواني او اوسـني لمـړي وزيـر) بـي د مـوټرو لـه بـدرګي سـره او د باډيګـار دانـو لـه قـافلي سـره روان و او تـه سـرکونه د دوي دتګ او يـا راتګ لپاره تړل شوي و....

بلـه مهمـه خبـره دا ده چـي پـه نـوي حکومـت کـي يـوه مـسلمانه ميرمنـه دسـعيده وارثـي پـه نـوم هـم شـامله شـوی ده چـي پـه ختـه پاکـستاني ده.

د سـعيده وارثـي پـلار انګلينـد تـه کـډه کـړی وه او سـعيدې پـه انګلنډ کـی دنياتـه راغلـی ده. ويـل کيـږی چـی سـعيدی خپلـه پلرنـي ژبـه نـده هيـره کـړی او اوس هـم پـه روانـه اردو ژبـه خبـرې کـولای شـي او همـدا رنګـه د قـرآن کـريم حافظـه هم ده.

د سـعيدې پلرنـی کلـی (بيـول) نـوميږی چـی د راولپنډی پـه ګوجرخـان پـوری تـړاو لـري. سـعيدی کلـه او ناکلـه پـه تيـره د ضـرورت پـه وخـت پاکـستان تـه ځـی او پـه ۲۰۰۵ کـال کـی زلزلـی ځپلـو خلکـو سـره د مرسـتی پـه موخـه پاکـستان تـه تلـې و. اوس پاکـستانيان ويـاړ کـوی چـی يـوه مـسلمانه پاکـستانی الاصـله ميرمنـه د لـومړی ځل لپـاره د انګلـستان پـه کابينه کی شامله شوی ده...

ټـول خبـر يـو چـی لـس هـا لکـه افغانـان پـه پاکـستان او ايـران کـی د مهاجر پـه توګـه ژوند لـري. ډيـر ځوانـان (هلکـان اونجـونی) چـی اوس ديـرش يـا پنځـه ويشت کلـن دي، دوي پـه پاکـستان يـا ايـران کـی پيـدا شـوی دي. خولـه بـده مرغـه پـه اکثـره مـواردوکی لـه دوی سـره انـسانی او اسـلامی چلندنـه کيـږی د لـوړو زده کـړو پـه مؤوسـساتو کـی د دوی شـامليدل يـوه لويـه سـتونزمنه مـسئله ده. پـه آزاده توګـه لـه يوځـای او يـا ښـارنه بـل ځـای يـا ښـارته نـشی تـلای. د کـار او بـار اجـازه نـه لـری اونـشی کـولای چـی غيـر منقـول جايـداد واخلـی او ... پـه دواړو هېوادونـوکی زمـونږ افغانـان پـه سـپکه سـترګه کتـل کيږی، تنګول او ځورول کيږی.

زمـونږ خلـک لـه اسلامی نـړی او اسـلامی هېوادونـه ډيـره توقـع لـري چـی دوی بايـد لـه خپلـو مـسلمانو خوينـدو او ورونـو سـره ښـه برتـاؤ ولـري. خـو اوس پـه ښـکاره توګـه ليـدل کيـږی چـی کـافر مـسلمان پـه نـسبت پـه مـونږه بانـدی زړه سـوای لـري او انـسانی حقونوتـه د احتـرام پـه سـترګه ګـوري. پـه تيـرو ټـاکنوکی دری مـسلمان ممبـران د انګلنډ پـه پارلمـان کـی شـتون ومونـد او يـوه ميرمنـه د وزير په توګه وټاکل شوه!

نـو د افغانـستان خلـک د خپلـو مـسلمانو ګاونډيانو پـه هکلـه څـه نظـر او قـضاوت درلـودلای شـی؟ دا چـی پـه برتانيـه کـی يـو مسلمان تـه برابر حقـوق ورکـول کيـږی او نـه يـواځی داچـی سـعيده وارثـی د وزيـرا پـه توګـه وټاکـل شـو او د وزيرانـو پـه غونـده کـی ګـډون وکـړ بلکـی د محافظـه کـار پـه ګوندکی د مشر تابه مقام تـه هـم ورسيد.

زمـونږ پـه دی دواړو ګاونډيو هېوادونـوکی ډيـر داسـی کـسان اوسـيږی چـی غـواړی د افغـانی تابعيـت ترځنـګ، پاکـستانی يـا ايرانـی تابعيـت هـم تـر لاسـه کـړی خـو هغـوی لپـاره اجـازه نـشته او پـه سلهاو زرو افغانـان پـه غربـي هيوادونـوکي دا اجـازه ترلاسـه کـړي او تـر ډيـره حـده پـوری برابر حقـوق هـم لـری او اکثـره يـی تابعيتونـه اخيـستی او دهغـوی بچـی هلتـه پيـدا شـوی چـي پيدايشی تابعيت لري.

من از بیگانگان هرگز ننالم
که با من هرچه کرد ان اشنا کرد

راتلونکی بارلمانی ټاکنی ...

عـرف او عـاداتو پوهـه نلـري. نـشي کـولاې چـي د تقنـين (قـانون جوړونې) پـه لـړ کـي او هـم پـه صـحيح او سـمه توګـه د حکومـت څارنـه وکـړي. او همـدا رنګـه د دغـه تقنينـي ارګـان لپـاره کانديـدان د خپـل ولـس لـه اړتيـاو، سـتونزو، ترجيحـاتو او عـرف څخـه پـوره معلومـات ولـري: يعنـي د ولـس لـه مـتن څخـه اوسـي او دهغـوی لـه حـالاتو څخـه پـه بشيړه معنـا خبـر اوسـي: څـو پـه ريښتوني معنـا د ولـس د مختلفـو طبقـو او پرګنـو نمايندګي وکړي.

پـه کـار خـو دا وه چـي د هيـواد پـه اساسـي قـانون کـي د ملـي شـورا (پارلمـان) د غړيتـوب لرسـته راوړلـو لپـاره کانديـدانو کـي ديـو لـړ داسـي شـرايطو شـتون ضـروري ګڼـل شـوي واي چـي د کانديـدانوعلمي وړتيـا او حقـوقي پوهـه ثـابتوي خولـه بـده مرغـه چـي ز مـونږ د هېـواد اساسـي قـانون کـي دغـه تـشه شـته، نـو اوس دغـه حـق يـوازې ولـس تـه ورکـړاې شـوی دی چـي د کانديـدانو لـه مينځـه دغـه مقـام تـه وړ کـسان د رايـي د استعمال لـه لپـارې پـه خپـل ملـي مـشارکت سـره وټـاکي او هېـواد لـه يـو داسـي پارلمـان څخـه برخمن کـري چـي زمـونږ هېواد د تـاريخ پـدې حسـاس پړاؤ کـي لـه هـر ډول نـاخوالو څخـه پـه پـوره سياسـي بـصيرت، افغـاني احـساس او اسـلامي تعهـد سـره د تقنـين، حکومـت څـارنې او اسـتازيتوب پـه دريګونـو مـسؤوليتونو کـي پـه فعالـه ونـډې اخـستلو سـره، خـلاص کـړي. او د هيـواد د بيـا رغـونې او هـر اړخيـز پرمختـګ لپـاره حکومـت تـه لازمـي مـشورې او پـه اجتمـاعي فرهنګـي، سياسـي او اقتـصادي ټولـو ډګرونـو کـي د پرمختيـا لپـاره معقـول پروګرامونـه وړانـدې او تـصويب کـړي او هـم د هيـواد د ځمکنـی بـشپړتيا، ملـي حاکميـت او خپلـواکی د سـاتلو او قوانينـو او پريکـړو د تطبيـق دنـده ترسـره کـړي او لـه اړتيـا سـره سـم لازم قـوانين او مقـررات تـصويب کـړي. چـې د دغـه ګـردواړو مـسؤوليتونو ترسـره کېـدل هغـه مهـال ممکـن دي چـې ولـس د انتخـاب پـه ذريعـه د مـشارکت لـه ليـاري د پارلمـان د غړيتـوب وړ کانديـدان وټـاکي. او کـه چېـرې پـدې هکلـه درايـې د شـرعي حثيـت (وکالـت، شـفاعت او امانـت د اصـولو) پـام ونکـړي او داسـي خلـک غـوره کـړي چـې د دې مقـام وړتيـا نلـري نـو بيـا د پارلمـان د پريکـړو د هـرې عتـې او وړې پـه مـسؤوليت او بـار کـې ورسـره رايـه ورکـوونکی شـريک دی. نـو ځکـه اړينـه ده چـې د ولـس ټـول وګـړي دغـه حـق پـه بـشپړ بـصيرت او امانـت ادا کولو سره په ښه توګه ادا کړي.

استفاده از آموزه های دینی برای...

درایـن مـورد لازم است دولـت بـه موضوع جایگـاه وتـأثیر گـذاری آمـوزه هـا وتعـالیم دینـی در زمینـهٔ کمـک بـه دیگـران ودسـتگیری آسـیب دیـدگان ونیازمندان توجه نمایـد وایـن آمـوزه هـا را تـرویج کنـد وبـرای عملـی سـاختن آن سـاز وکارهـای عملـی بـه میـان بیاورد.

دردین مبـین اسـلام بـه همکـاری بـا نیازمنـدان، کمـک بـه گرسـنگان وفقیران تأکیـد فراوانـی صـورت گرفتـه اسـت. اسـلام مـسلمانان را بـه ایجـاد جامعه فـرا مـی خوانـد کـه در آن همـه شـهروندان مـسؤلیت دارنـد تـا نگذارنـد کـسی از گرسـنگی بمیـرد ویـا کـسی براثر آفات طبیعـی صـدمه ببینـد وهـیچ امدادگری به داد او نرسد.

قرآنکـریم درآیـهٔ هـشتم سـوره" الـدهر" صـفات مومنـان را چنـین بـین می کند" آن هـا غـذای را کـه دوسـت دارند صرف کنند به فقیـر، یـتیم واسـیر می دهنـد" همچنـان درآیـه۲۷۲ سـورهٔ بقـره فرمـوده اسـت: " چیـزی را کـه شـما بـه دیگـران صـدقه مـی دهیـد، خداونـد آن را بـه شـما برمـی گردانـد وبه شما هیچ ستمی نمی شود."

بـه روایـت عبـدالله بـن عمرکـه حـدیث متفـق علیـه مـی باشـد پیامبراسـلام فرمـوده اسـت " بهتـرین اسلام یعنی کـار اسـلامی- توزیـع غـذا اسـت" جانـشینان پیـامبر نیـز همیـشه به سـنت پیـامبر عمـل مـی کردنـد واز هـیچ فرصـتی بـرای کمـک بـه نیازمنـدان دریـغ نمـی نمودنـد. از حضرت عمر روایـت گردیـده اسـت کـه او شـبی در داخـل مدینـه مـی گـشت وازخانـهٔ صـدای گریـه کودکـان را شـنید، خلیفـه پیـامبر دق البـاب کـرد وازگریـه کـودک پرسـید، زنـی آمـد وگفت کودکـان ازگرسـنگی گریـه مـی کنند، خلیفه پیـامبر بـا سـرعت برگـشت واز بیـت المـال مقـداری آرد وروغـن برداشـت وبـه آن خانـه آمـد وبادسـتان خـویش غـذا پخـت وپـیش روی کودکـان گذاشـت، حـضرت عمـر خـود را بـه آن زن معرفـی نکـرد وبـا ضـمیر آرام به خانه برگشت.

دیـن اسـلام بـه ارائـه انـدرز وفراخوان درایـن زمینـه بـسنده نکـرده، بلکـه سـاز وکارهـای عملـی را بـرای توزیـع ثـروت وجلـوگیری از افـزایش فقروکـاهش فاصـله میـان ثروتمنـدان وفقیران وضع نموده است.

یکی ازایـن سـازوکارها زکـات مـی باشـد، اسـلام بـرای ثروتمنـدان وسرمایه داران فـرض گردانیـده اسـت تـا سـالانه ۲٫۵ درصـد ازدارایـی خویش را در اختیـار افـراد فقیـر جامعـه قرار دهند.

همچنـان برهـر فـرد تـوانگر امـر نمـوده اسـت تـا درآخـر مـاه مبـارک رمـضان یـک چـارک آرد ویـا معـادل ارزش آن را بـصورت نقـد ویـا کـالا در اختیار فقرا بگذارد.

عـلاوه بـراین نـصوص وآمـوزه هـا ی فروان دینـی مـردم را تـشویش مـی کند هرزمـان کـه ببیننـد گرسـنهٔ وجـود دارد ویـا کـسی بـه مـشکل وآسـیبی روبروسـت بایـد بـه کمـک او بـشتابند. احادیـث زیـادی در زمینـه وجـود دارد کـه برخـی آن هـا ذکـر مـی گردد"کسی که بـه شـکم سـیر بخوابـد، امـا همـسایه اوگرسـنه باشـد، مـسلمان نیست".

" کـسی کـه مـشکل بـرادر مـسلمان خـود را حـل کنـد، خداونـد مـشکل او را حـل مـی کنـد". دسـت بالا بهتـر ازدسـت پـایین اسـت" یعنـی کسی که بـه دیگـران کمـک مـی کنـد اجروثـواب بـزرگ بدسـت مـی آورد." کـسی کـه صـبح ازخـواب برخیـز ودرفکرمـسلمانان نباشـد مـسلمان نیـست"." کـسی کـه ازیتیمـی سرپرسـتی کنـد، دربهـشت بـا مـن جایگاه برابرخواهد داشت."

درجهـان معاصـر توزیـع زکـات، صـدقه فطـر وسـایر مـساعدت هـای مـالی مـسلمانان بـه نیازمنـدان توسـط افراد با مـشکلاتی همـراه خواهـد بـود، درکشورهای اسلامی بـا درنظـر داشـت ایـن امـر، جهـت جمـع آوری وتوزیـع درسـت زکـات وسـایر صـدقات، نهـاد های خاصی را ایجاد نموده اند.

بایـد درافغانـستان نیـز ازچنـین تجربـه هـای اسـتفاده شـود وقـوانین وروش هـای مـوثر بـرای ایـن کـار بـه میان بیاید.

لازم اسـت درگـام نخـست دولـت شـفافیت لازم را درکـارچنین نهـاد هـای ایجـاد کنـد، تـا مـردم بـا خیـال راحـت زکـات وصـدقات خـویش را دراختیـار ایـن نهـاد یـا صـندوق قراردهنـد، دولـت مـی توانـد بـا وضـع قـوانین تمـام واجـدین شـرایط را ملـزم به پرداخت نماید.

این صندوق براساس پـروژه هـای که هـلال احمـر ودیگرنهـاد هـا، بـرای کمـک بـه فقیـران وآسـیب دیـدگان ارائـه نماینـد، پـول وامکانـات دراختیـار آن هـا بگـذارد وبرتوزیـع شـفاف وعادلانـه آن نیـز نظـارت دقیـق انجـام دهـد. ایـن صـندوق پـروژه هـای انتفـاعی را نیـز جهـت سـرمایه گـزاری پول های جمـع آوری شـده راه انـدازی نماید.

درصـورتی کـه دولـت بتوانـد، پـول هـای زکـات، صـدقهٔ فطـر وکمـک های را کـه براثـر فـرا خـوان مـساعدت بـرای آسـیب دیـدگان حادثـهٔ خاصـی طبیعـی راه انـدازی مـی نمایـد، پـول وامکانـات قابـل تـوجهی فـراهم مـی گـردد وبـرای صـدها هـزار فقیـر نـان، لباس ودوا تهیه خواهد شد.

شرم از تاریخ!

بحث رسانه ها

همنوا



درشمارهٔ گذشته، بحث رسانه درمورد رویداد های هفت ثور ۱۳۵۷ و هشت ثور۱۳۷۱ و زمینه ها و پی آمدهای آن به نقد گرفته شد و پاره یی از ادعاها و دورغ های شاخدار اشتراک کنندگان این بحث ها و میزگردها در رسانه ها (به خصوص تصویری) برملا می گردید. اینک ادامهٔ نقد بحث.

کمونیست، ملحد، مسلمان:

دربحث واظهار نظرهای یاد شده، تعدادی از اعضای حزب سابق منجمله دموکراتیک خلق وبعد حزب وطن که وابسته به گروهک های تره کی، امین ، کارمل ونجیب بودند، ادعا داشتند که ما هرگز کمونیست، ملحد نبوده ایم وحز ب ما یک حزب کمونستی نبود، بلکه ما طرفدار تحول انقلابی بودیم ولی هرگز مارکسیت- لینینست نبودیم واین حرف دشمنان ماست!

دراین مورد باید گفت که، خودشان هم می دانندکه دروغ می گویند وعقاید اصلی خود را پنهان می نمایند واکثریت مردم نیز با شناخت دقیق وعمیقی که ازاین گروهک ها دارند ودشمنی های شدید آنان را با دین ودینداران مشاهده وتجربه کرده اند، هرگز فریب این ادعاها ودروغ ها را نمی خورند ولی لازم است، تا برای روشنی اذهان نسل جوان که ممکن است از واقعیت های گذشته به درستی آگاهی نداشته باشند، مطالب مستند ارائه شود:

حفیظ ا... امین: فرد دوم وبعد فرد اول حزب دموکراتیک خلق از ۷ ثور ۵۷ تا ۶ جدی ۵۸، حین افتتاح انستیتوت علوم اجتماعی در کابل طی سخنرانی که از تلویزیون پخش شد، چنین گفت:"... این قدم بزرگ ، این عمل پرافتخار، افتتاح انستیتوت علوم اجتماعی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که تدریس وپخش فلسفه وسوسیالیزم علمی را بدوش دارد... چون دراین امرتاریخی و پرافتخار حزب دموکراتیک خلق افغانستان ازهمکاری های انترنشنلستی کارگری و برادرانهٔ حزب کمونست اتحاد شوروی وسیعاً برخوردار است که با اطمینان وافتخار گفته می توانیم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حیث حزب برادر درپهلوی حزب مورد افتخار همهٔ کارگران جهان وسایر زحمتکشان جهان، حزب لنین کبیر جای پر اطمینان واعتماد دارد..."

فلسفه وسوسیالیزم علمی: فلسفهٔ مورد نظر امین چه بود؟ این فلسفه ماتریالیزم دیالیکتیک وجهان بینی الحادی است که ماوراءالطبیعه(خدا وملایک) را قبول ندارُد و زندگی بعد ازمرگ را نمی پذیردا! وسوسیالیزم علمی چیست؟ درست است که در دنیا وبه خصوص در اروپای قرون نوزده وآغاز قرن بیست و حتی امروز انواع سوسیالیزم وجود دارد وطرفداران آن ها به تبلیغ فکری خود می پردازند ولی سوسیالیزم علمی ازکدام نوع است؟

سوسیالیزم علمی یا فرضیهٔ ارزش مازاد از افکار خاص کارل مارکس است که "... مذهب را یکی از بزرگترین نیروهای ارتجاعی ومحافظه کار در جامعه دانسته، حمله به آن را واجب می شمارد"۲۱

مارکس دین را افیون وتریاک ملت ها دانسته است.

گفتن بسم ا... وخندهٔ تمسخر آمیز: امین دریکی از سخنرانی های تلویزیونی با بسم ا... آغاز می کند، ومتعاقباً می گوید« خوب بسم ا... خو میگم...» با این گفته می خندد وکارمندان ضبط صدا وتصویر یکجا با او می خندند!

آغاز سخن با بسم ا... در کشورهای اسلامی یک رسم وعنعنه است واو نیز طبق آن بسم ا... گفته وبا تمسخر می گوید که خوب بسم ا... خو می گم(اگرچه مسلمان نیستم)! ۳

ببرک: ببرک دریکی از سخنرانی هایش که از تلویزیون پخش شده خطاب به رفقا می گوید: "... به شما می گویم رفقا! اگر اعتقاد عمیق و راسخ به ایدیالوژی طبقهٔ کارگر، به مارکسیزم ولینینیزم ندارید، هیچ اجباری بالا شما نیست که شما حتماً حزبی شوید. می توانید با جرأت بگویید که من هنوز مطالعه می کنم."۴"

مارکسیسم ولینینسم چیست وپایه های فکری وجهان بینی آن کدام است؟ این مکتب فکری ضد دین است وبا آن دشمنی آشتی ناپذیردارد.

مارکسیسم- لینینسم مخالف هردین ومذهب است وفرقی میان اسلام ومسیحیت وهندوئیزم قایل نیست وعلیه همه مبارزه می کرد.

درسال های اخیر رژیم سلطنتی که آزادی ها وانتخابات در چند سطح واز جمله اتحادیهٔ محصلین پوهنتون کابل وجود داشت، یک محصل هندو در پوهنحی انجینیری به نامزد جوانان مسلمان رأی داده بود. زمانی که از او پرسیدند که چرا یک هندو به جونان مسلمان رأی داده وچرا به نامزدان خلق وپرچم رأی نداده درجواب گفته بود: کمونست ها اصلاً دین را قبول ندارند، چه اسلام وچه هندوئیزم! ودر اسلام برای غیر مسلمانان حقوق و آزادی مراسم دینی وجود دارد، از این رو به کاندیدای جوان مسلمان رأی دادم، زیرا کمونیسم دشمن مشترک ماست.

حرف آخر: مسلمان بودن ونبودن را مردم می دانند وازآن آگاهی دارند. هیچ یک از اعضای اصلی گروه های خلق وپرچم ویا شعلهٔ جاوید، بعد ازعضویت در این گروه ها هرگزنماز نخوانده وکسی آن ها را درمسجد ندیده است. همچنین در ماه مبارک رمضان روزه نمی گرفتند وهمه محصلین پوهنتون ها و دارالمعلمین ها در لیلیه شاهد روزه خوری این ها بوده اند. درسال ۱۳۵۰ قرآنکریم را ازمنزل بالای لیلیهٔ مرکزی پوهنتون کابل، به زیر انداختند ومن خود ازیک معلم خلقی در حکومت داود خان شنیده ام که درصنف گفت: می گویند چرا یک تعداد جوانان از دین خارج می شوند.

جواب روشن است: زمانی که یک خانه بسیار کهنه و در حال فرو افتادن باشد، هر انسان عاقل از آن خارج می شود...

ادعای مسلمانی: هرگاه اعضای گروه های یاد شده، ادعا نمایند که مسلمان بودند و هستند، ما به حیث افراد مسلمان نمی خواهیم که به ایشان بگوییم که مسلمان نیستند، بلکه بسیار خوشحال می شویم که واقعاً به اسلام برگشته باشند و از عذاب دوزخ رهایی یابند. عفو عمومی مجاهدین نیز زمینه ساز برگشت این افراد به اسلام و جامعهٔ اسلامی بود و امروزهم که اندیشه های ایدیالوژیکی، اقتصادی وسیاسی کمونیزم درحال محو شدن است، خوب است که کمونست های دیروز به آغوش اسلام برگردند و به واقعیت ها اعتراف نمایند.

....

۲- ص ۹۴۳ کتاب فلسفهٔ سیاسی جلد سوم، دکتر بهاءالدین پازارگاد، چاپ سوم

تهاجم قانون غرب در کشورهای اسلامی

قسمت دوازدهم

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

اروپا هرگز فراموش نکرده بود که یکی از اسباب شکست آن در جنگ های صلیبی همان برتری اقتصادی مسلمانان بود که از طریق حاکمیت برتجارت جهانی، بدان رسیده بود.

درک این حقیقت اروپائیان را واداشت، در به دست آوردن مستعمرات به رقابت بپردازند، تا از آن ها به حیث بازار فروش تولیدات خود استفاده نموده و نیز منبعی باشند برای تأمین مواد اولی مورد نیاز صنایع آن ها.

شرکت های مختلف احتکاری صنعتی اروپایی (هالندی، پرتگالی، اسپانوی، فرانسوی) در راستای تحقق این هدف نقش برازندهٔ را بازی نمودند.

مطالعهٔ گذرای تأریخ شرکت انگلیس هند شرقی، نمونهٔ روشنی را از نقش بازی شده توسط این شرکت ها در اجراء سیاست خارجی این شرکت ـ که به منظور مبادلات تجارتی با هند تأسیس گردیده بود ـ در برابر چشمان ما قرار می دهد.

این کمپنی بدون درنگ، مناطق نفوذ خود را گسترش داده و هند و مناطق خلیج عربی و بحیرهٔ احمر را از طریق بازکردن نمایندگی های خود در حلقهٔ نفوذ خویش قرار داد، تا اهدافش را در آن مناطق با استفاده از فرمان شاه ایران (اسماعیل اول) در سال ۱۶۱۷ جامهٔ تحقق بپوشاند. کمپنی هند شرقی و اتباع انگلیس بر اساس این فرمان، از امتیازات و حقوق مدنی زیادی بر خوردار گردیده و از حاکمیت دولت ایران خود را آزاد کردند که در نهایت همه تصرفات مدنی و جنایی آن ها بدور از مراعات قانون دولت اسلامی صورت می پذیرفت. زیرا آنان با برخورداری از این امتیازات، حق مصؤنیت پیدا کرده و تنها از سفیر انگلیس تبعت می نمودند که تنها قانون دولت انگلیس بر آن قابلیت تطبیق را داشت و بس.

از آنجا که قانون دولت انگلیس صراحتاً باشریعت اسلامی در تعارض قرار داشت آن ها بر طبق هر آنچه را که می خواستند ـ از سود گرفته تا قمار، شراب و زنا ـ بدون این که هراسی از قوانین اسلامی داشته باشند انجام می دادند که تأثیر بدی را در آیندهٔ تشریعی و قانونگذاری کشور های اسلامی به جا گذاشت.

این شرکت مرکز خویش را با نیروی نظامی نیز مجهز کرد تا از آن در مجازات حکمرویان مخالف منافع خویش را استفاده نماید.

«جان پتروس» یکی از کارمندان این شرکت، این حقیقت را مورد اشاره قرار داده و در مورد گفته است: »باید تذکر داد که روابط بین برتانیهٔ کبیر و مستعمرات آسیایی آن گونهٔ نوی به خود گرفته و به چهره های مختلف تبارز کرده است، این روابط با تجارت آغاز و با سلاح جوان شده و با تسلط و غلبه برمناطق و اقالیم توسط معاهدات و تهاجمات پایان یافته است.

اعطاء این گونه صلاحیت ها برای این کمپنی بیانگر این امر است که کمپنی از حکومت مستقلی برخودار بوده و در ادارهٔ امور هند، ایران، عراق و سائر مناطق خلیج عربی تنها از برتانیه اطاعت دارد و بس. آنچه این مدعا را موارد تأیید قرار می دهد همانا امتیازات چاپ پول در مناطق تحت نفوذ خود است که در سال ۱۶۶۸ آن را بدست آورد.

امتیازات دوم هم همان برخورداری این کمپنی از حق حاکمیت تمام عیار برجزیرهٔ بمبئ است که از آن به حیث مرکز اشراف برهمه شؤون مربوطه به شرکت و منافع آن، در منطقه خلیج، بحیره احمر، استفاده می کرد.

واقعیت های یاد شده بیانگر این حقیقت است که این شرکت، تجارت و سیاست را به هم آمیخته است.

در تأیید مطلب فوق می توان به قدرت این شرکت در توجیه سیاست ادارهٔ مناطق تحت نفوذ آن اشاره کرد که والی بغداد سلمان کوچک را از منصبش برکنار و بدلیل اجراآتی برخلاف منافع شرکت انجام داده بود در سال ۱۸۱۰م محکوم به اعدام کرد.

د سولې په مشورتي جرگه کې، جرگه له چاسره؟

په داسي حال کې چې د هېواد پارلمان د خپلې تقنيني دورې وروستی کال بشپړوي، له يوې خوا د کرزي صيب دولت د سولې د مشورتي جرگې د داېرولو هڅې رواني کړي او له بلې خوا يې د ولسي جرگې د تاکنو پروگرام اعلان کړی چې له مخې به يې د وږي د مياشتې په اوه ويشتمه نيټه تاکنې ترسره کيږي. او په همدې منظور يې د تاکنو په هکله د شکايتونو اوريدلې پنځه کسيز کميسيون او د تاکنو د خپلواک کميسيون مسؤلين وټاکل. خو ورسره ورسره د تاکنو قانون په سر د ولسمشر او ولسي جرگې ترمينځه د نانددريو او اختلاف مشوره لاهماغسې جره پاتې ده او د اساسي قانون په تطبيق د څارنې او تفسير کميسيون په غياب کې د زوروور اوبه په بره هم ځي، مثال تطبيق شو. او د تاکنو د نوي قانون په رڼا کې د تاکنو د ترسره کېدوتا بيا ونيول شوه. خو الله دې وکړي چې په رښتيايي ترسره کړي: ځکه د ډېرو هېوادوالو او سياسي کړيو انديښنه ده چې د کرزي او اوسني پارلمان ترمينځه دغه کشمکش چېرې اعلان شوې تاکنې ونه خوري او د يو پټ سازش له لياري د پارلمان موده پدې ډول سياسي مانور سره اوږده نه کړي: او دا ځکه چې ولسمشر کرزی د مودو په غزولو او له اساسي قانون څخه په سر غړولو کې بشپړ مهارت لري: لکه يې چې د ولسمشرۍ ټاکنې خو حلې وروسته کړې او نور هر کميسيون ټاکلی شي خو د اساسي قانون د څارنې خپلواک کميسيون چې اړتيا يې له بل هر کار څخه زياته ده. نشي ټاکلي!!

همدارنگه په داسي شرايطو کې چې د ولسي جرگې د تاکنو بهير پيليږي، په درشل کې يې د يوې داسې جرگې د رابللو تابيا نيول. چې نه د افغانستان په اساسي قانون کې حقوقي ځای لري او نه کوم افغاني اصل لري: ځکه دغه جرگه لويه جرگه هم نده. يو بل گوابن دی: چې کېدای شي د پارلماني ټاکنو په وړاندې خنډ وگرځي او يا د يو منظم سازش او پلان له لياري د جرگې له لورې دا غوښتنه را اوچته کړای شي چې د سولې په منظور او د مخالفينو سره د مذاکراتو وخت ته د اړتيا له مخې (څو هغوې هم په دې ټاکنو کې برخه واخستلی شي) بايد پارلماني ټاکنې يو څه موده نورې هم وروسته شي. او په دې ترتيب تش په نامه ولسواکۍ کې ولسمشر کرزی او د هېواد ناکام پارلمان، چې هر يو يې د حشري درغلېو په برکت وجودته راغلی. خپل عمر اوږد او په ولسواکۍ(!) کې د پادشاهت چړچې وکړي.

افغانان له اوسني دولت او تر شايې له ولاړو لويد يځوالو او نړيوالې ټولنې څخه د سولې سره له هرچانه زياته مينه لري او ورته ليواله دي. خو د کرزي صيب ماهرو وزيرانو(!) او په ځانگړې توگه د جرگو مهندسينو(!) چې د سولې مشورتي جرگې په نوم کومه پروسه پلان کړې. له دې پرته چې يو بيځايه لگښت اوسي. بل شي ندی. او کومه ليار چې دوې پرمخ نيولې د بيت الله پرځای ترکستان ته روانه ده

ځکه دغه جرگه له چا سره ده!! مخالفين خو د وردک صيب د وينا له مخې دې جرگې ته نه رابلل کيږي او بيا يې ورته غړي د کوم معيار له مخې غوره کيږي؟ آيا د واليانو په ټاکنه او غوراوي سره يو څوک د ولس استازی کېدای شي؟ او يا دا چې د واليانو او ولسوالانو په خوښه راليږل شوي کسان به د دولت مخالفينوته د منلو وړ وي؟ که چېرې دغه واليان او چارواکي د دولت مخالفينو ته د منلو وړ واې نو بيا جگړه د څه لپاره کيږي؟!

همدارنگه پوښتنه دا ده چې د هرې جرگې لپاره خو له مخکې څخه يو دستورالعمل او ايجندا په کاروي. دغه دستورالعمل او ايجنډا د هېواد اوسني پارلمان ته ښودل شوی او هم جوړه شوې او که نه؟ ځکه دا خو طبيعی او افغاني الاصل جرگه نده چې په کې په طبيعي توگه استازي دولس له متن څخه را اوچت شوي اوسي او دولس اراده مخې ته راشي.

تر اوسه خو د جرگې لپاره له روانو هڅو څخه معلوميږي چې ښايي دغه غونډه هم د کرزي صيب لخوا په کندهار کې د خپل قوم رابلل شوو پښتنو غونډه وي چې لاملـه يې بيا ځينې نور پښتانه دې ته اړ کيږي چې هغوې هم له ولايتونو څخه خلک راغونډ کړي او يوه قومي شورا جوړه کړي

کېدای شي ډاکټر غلام فاروق وردگ هم لکه چې د جرگې د تنظيمولو د مسؤلينو له جوړښت څخه په ډاگه ده. همدغه لاره پرمخ کې ولري. چې د جرگې د مسؤلينو د ځرگندونو څخه هم. دغه جرگه د سولې د مشورتي جرگې پرځای د يو چا د ستاينې پلان شوې پروسه ثابتوي او بيا هم لگښتونه به يې په ټول افغان ولس دين اوسي. او نړيوال به پرې احسان کوي. په داسي حال کې چې د جرگې له اهدافو څخه د ملي پخلاينې او سولې په پرتله پکې وردک ستاينه او خپل نازونه زياته برېښي.

جلوگیری از انحطاط اخلاق در جامعه نیازمند توجه جدی است

محمودالله فیروز

بی‌تردید اخلاق، از جملهٔ مقوله هایی است که همواره مورد توجه دین مبین اسلام قرار دارد. چنانچه پیامبر اسلام(ص) فرموده اند: "إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق" (براستی مبعوث شدم تا مکارم اخلاقی را کامل نمایم).

باید گفت که علماء اسلام بر این اصل تاکید دارند که در اسلام اخلاق و عبادات با یکدیگر پیوند دارند، چرا که سستی اخلاق دلیلی بر سستی ایمان و عبادات است، بناءً در یک جامعهٔ اسلامی، برای مسلمانان همانگونه که ساختن مساجد و عبادتگاه ها و انجام فرایض عبادات حایز اهمیت است، پابندی به ارزش های اخلاقی نیز ضروری و لازمی است و از آنجا که عبادات رابطهٔ انسان با خداست، اخلاق رابطهٔ فرد با جامعه را تعیین می کند، هر چه افراد مومن در عبادات بیشتر پایند باشند، ولی در اخلاق بی تفاوت و سست عنصر، این مساله به عنوان عامل منفی در قضاوت در مورد اسلام عمل می کند.

طبق تعالیم اسلامی اخلاق مومن باید در اعمال او جلوه یابد. عبادت مومن باید بر فکر، روح و جسم او تاثیر بگذارد در غیر آن، اخلاق فاسد، عمل و عبادات را نیز فاسد می سازد. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «الخلق الحسن یذیب الخطایا کما یذیب الماء الجلید، و الخلق الأسود یفسدالعمل کما یفسد النحل العسل»

اخلاق نیکو گناهان را آب می کند، همانگونه که آب یخ را آب می کند و اخلاق فاسد عمل را فاسد می کند همانگونه که سرکه عسل را فاسد می کند. (روایت از بیهقی)

یقیناً اگر ما اخلاق را از هر جامعه ای جدا کنیم، آن جامعه شبیه به عالم حیوانات می شود و جامعه ای که افراد آن پابندی به اخلاق نداشته باشند و رأی دیگران، مصالح و منافع عمومی و آرمان های دینی و مردمی در آن محلی از اعراب نداشته باشد، ناهنجاریی را به میان می آورد که مهار نشدنی است. چنانکه هم اکنون ما در چنین وضعیتی قرار داریم.

متاسفانه آفت های رذایل اخلاقی نه تنها در سطح عوام، بلکه در سطح نخبگان جامعهٔ ما شیوع یافته است. این امر باعث شده تا افراد در برابر یکدیگر احساس مسؤولیت نکنند، به همنوعان خود بی توجه باشند، منافع فردی خود را بر منافع و مصالح عمومی ترجیح دهند، بزرگسالان مورد هتک حرمت، زنان و کودکان مورد خشونت و تجاوز جنسی قرار بگیرند، دروغ، فریبکاری و تدلیس در میان تمام افراد اعم از زن و مرد، از مسؤولان دولتی گرفته تا دستفروشان، شایع شود و صدها نابسامانی و مشکلات دیگر نظیر اختلاس، رشوت خواری، دزدی و فحشا و بی بند وباری که زاییدهٔ ضعف اخلاق و فقدان احساس مسؤولیت می باشد گریبانگیر جامعهٔ ما شده است.

روشن ساختن باتوجه به بحران اخلاق اجتماعی و تبعات ناشی از آن در جامعه، رذایل اخلاقی، ضایع شدن حقوق افراد به ویژه کودکان، زنان و کهنسالان: دروغ و فریبکاری، فساد و فحشا و... باید مورد توجه رسانه ها، علمای دلسوز، استادان، معلمان، دانشجویان، نویسندگان قرار گیرد تا جامعه سالم داشته باشیم و از زشت ها و نا هنجاری ها بر کنار بمانیم.

به بهانهٔ هفتهٔ سره میاشت:

به تعداد۶۰۰ تن از اطفال مبتلا به (مرض سوراخ قلب)از سوی جمعیت هلال احمر افغانی طی سال گذشته تداوی شده اند

گزارش از: عنایت

اوایل هفتهٔ گذشته مصادف بود با هشتم می روز بین المللی صلیب سرخ. این روز همه ساله از سوی کشور های عضو این سازمان در سراسر دنیا تجلیل می شود. از آن جاییکه جمعیت هلال احمر افغانی به عنوان یک نهاد خیریه عضویت این سازمان را دارد، فعالیت های مشابهٔ بشردوستانه را در حالت بحرانی وجنگ انجام می دهد.

خانم فاطمه گیلانی رئیس هلال احمر افغانی در مورد فعالیت ها ودست آورد های این سازمان طی سال گذشته، به هفته نامهٔ مجاهد گفت: جمعیت هلال احمر افغانی با حفظ اصول بی طرفی در عملکرد ها به دست آورد های زیادی در ارائه خدمات انسانی برای هموطنان آسیب دیده وبی بضاعت خود در بخش های مختلف نایل شده است.

گیلانی افزود، جمعیت سره میاشت افغانی با داشتن چهل هزار رضا کار در سراسر کشورتوانسته قسمت اعظم از مشکلات آسیب دیدگان طبعی را برطرف سازد.

به گفته وی درجریان ارائه خدمت به مردمان آسیب دیده سال گذشته ۱۱ نفر از رضاکاران این جمعیت شهید و۲۲ تن آنها زخمی شده اند.

سیلاب های امسال خساراتی را در اکثر ولایات افغانستان به بارآورد، اما این که جمعیت هلال احمر افغانی ویا دیگر نهادهای امداد رسان چه نوع خدماتی را برای آسیب دیدگان عرضه کرده است؟ گیلانی اضافه کرد، با وصف این که سرا زیر شدن سیلاب ها در سرا سر کشور وتخریب راه های مواصلاتی روند امداد رسانی را برای ما کند ساخت، اما توانستیم کمک های شایانی را به مناطق آسیب دیده برسانیم.

درهمین حال آسیب دیده گان حوادث طبیعی در افغانستان از نقش کمرنگ نهاد های خیریه ازجمله هلال احمر شکایت نموده می گویند این سازمان ها آمادگی های لازم را برای امداد رسانی ندارند ودر حالاتی که مردم به کمک های عاجل نیاز دارند رسیدگی کرده نمی توانند. برخی ها می گویند، هلال احمر افغانستان بیشتر به یک مرکز برگزاری لاتری می ماند تا یک نهاد ا مداد رسان.

اما گیلانی درعین حال که ادعای مردم را هم تأیید وهم رد می کند می گوید، جمعیت هلال احمر افغانی برعلاوه آن که در قسمت کمک رسانی در حوادث طبیعی سهم فعال خود را ایفا می



کند در قسمت تداوی امراض چون سوراخ قلب اطفال زیرسنین دوازده سال، اقدامات عملی دارد.

به گفتهٔ وی سال گذشته حدود ششصد تن کودک مبتلا به این مرض تداوی شده اند و ۱۹۰۰ طفل دیگر در حالت انتظار به سر می برند. او افزود، هر طفلی که تداوی می شود از ۲ تا سه هزار دالر امریکای هزینه دارد که مجموعی این مصارف از مدرک تکت لاتری بدست می آید.

به گفته خانم گیلانی در برنامه کاری آنها برنامهٔ دیگری هم وجود دارد که از سوی دهکدهٔ صلح آلمان تمویل می شود وآن عبارت از تداوی استخوان شکن وسوختگی می باشد که با کمک آنها همه ساله درحدود ۱۸۰ الی ۲۰۰ طفل به آلمان فرستاده می شوند وبعد از تداوی وصحت یابی به خانواده های خود توسط رضا کاران این نهاد برمی گردند.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ هفتم ۲۵ثور- ۱۳۸۹ – اول ربیع الاخر ۱٤۳۱ 15 May 2010

محدودیت برای احراز برخی پست های دولت

رئیس جمهور قبل از سفر به امریکا فرمانی را امضا کرد که براساس آن صلاحیت های بیشتری به ادارهٔ مبارزه با فساد تفویض می گردد. براساس این فرمان خویشاوندان مقام های عالی رتبهٔ دولت نمی توانند در برخی وظایف از جمله پست های مالی، کمرک ها وتقررها، تعیین گردند.

این فرمان درصورت تطبیق می تواند یکی از راه های فساد را درکشور مسدود نماید، بسیاری از مقام های دولت پست های حساس، مالی واداری را دراختیار خویشاوندان خویش می گذارند تا آنها با رشوه واختلاس بتوانند یک شبه زندگی خویش را به اصطلاح جمع وجور بکنند ودیگر برای ده ها سال محتاج کسی نباشند.

اما باید توجه داشت که این فرمان وقتی می تواند تأثیر گزار باشد وبه کاهش فساد کمک کند که بصورت شفاف تطبیق گردد وراه های گریز و دور زدن ازآن نیز مسدود شود.

درغیرآن مانند سایر احکام وقوانین که زیبا نوشته شده اند، به کناری نهاده خواهد شد وهیچ تأثیری برجا نخواهد گذاشت.

متأسفانه در کشور ما برای گریز ازقوانین راه های مختلف ومتعددی وجود داردکه قانون شکنان برای سرپیچی ازآن دچار هیچ نوع زحمتی نمی شوند وازجانب دیگر موسسات ونهاد های تطبیق کننده قانون ونظارت برآن که مهمترین آن ها سارنوالی ومحاکم است، هیچ توجهی به تطبیق ونظارت برقانون ندارند ویا این که با گرفتن رشوه ولحاظ واسطه با سهولت از خیر تطبیق قانون که هیچ فایدهٔ شخصی برای آن ها ندارد، می گذرند.

واقعیت آن است که مشکل عمدهٔ حکومت وجامعه ما، نداشتن قانون وفرامین نیست. آن چه که جامعه ما ازآن رنج بیشتر می برد، این است که حکومت برای تطبیق قوانین وفرامین خویش هیچ دلچسپی نشان نمی دهد ویا توان تطبیق آن را ندارد.

ضعف حکومت ونهاد های مجری و ناظر بر قوانین مشکل عمدهٔ ماست.

اگرحکومت تصمیم جدی وصادقانه برای تطبیق فرمان اخیرخویش دارد، باید بیاید واز رأس نظام که همانا رئیس جمهوراست، آغازنماید. اکنون بستگان رئیس جمهور برخی ازشاهرگ های اقتصاد کشور را در دست گرفته اند، آن ها با تلاش وپشت کار وامکانات شخصی خویش به چنین موقعیت وسرمایه دست نیافته اند، آنچه که آنها را به چنین موقعیتی رسانده است، استفاه ازقدرت دولت وجایگاه رئیس جمهورمی باشد.

چندین خویشاوند نزدیک رئیس جمهور، درنمایندگی های افغانستان درخارج و درپست های کلیدی دولت گماشته شده اند که اکنون یاد آوری نام های آنها را مناسب نمی دانم . اگرقرار باشد که مقلم عالی رتبهٔ دولت نتوانند بستگان خویش را درپست های حساس بگمارند، باید این کار ازبلند ترین مقام ها یعنی رئیس جمهورآغاز گردد.

درقدم بعدی باید به بستگان معاونان رئیس جمهور و وزراء پرداخته شود، بدون شک اگر ادارات ذیربط کوچکترین تلاشی به خرچ بدهند، صدها نفر را می توانند بیابند که براساس بستگی خویش به وزراء وديگرمقام های عالی دولت به پست های حساس دست یافته اند.

اگر حکومت برای تطبیق این فرمان رئیس جمهور اراده ودلچسپی داشته باشد، باید تا یک ماه نتایج آن روشن گردد

وشماری ازاین نوری چشمی ها که جز رابطه خویشاوندی با مقامات هنری دیگری ندارند برکنار شوند.

استفاده از امکانات دولتی و منابع بیرونی برای کمپاین

آگرچه تا آغاز رسمی کمپاین انتخاباتی دومین انتخابات شورای ملی زمانی زیادی باقی است، اما شماری از نامزدان همین اکنون و حتی قبل از نامزدی وثبت نام، اقدام به کمپاین نموده اند.

کمپاین با روش ها و ابزارهای قانونی وحتی کمپاین قبل ازآغاز زمان رسمی را می توان با اغماض پذیرفت، اما زمانی امکانات دولت وموسسات کشورهای بیرونی برای کمپاین استفاده می شود، به هیچ صورت نباید از کنار آن رد شد.

طبق اخبار بدست آمده از ولایت بدخشان، چند تن از نامزدان انتخابات شورای ملی به چنین کاری که می توان آن را تخلف روشن از قانون انتخابات نامید، دست زده اند. این نامزدان با استفاده از فقر و بیچارگی مردم وآسیب دیدگان آفات طبیعی با انتقال مواد ناچیز مساعدت دولت، انجوها وکشورهای خارجی به قریه ها، از توزیع این مواد سوء استفاده نموده واز همین اکنون مبارزات انتخاباتی خود را شروع کرده اند.

گفته می شود، یکی از این نامزدان مساعدت های را که از مؤسسه شیخ زاهد بن خلیفه (آل نهیان)مربوط کشور امارت متحده عربی بدست آورده، به چند قریه در ولایت بدخشان توزیع نموده است.

بدون شک رساندن کمک به مردم آسیب دیده وبی بضاعت از هر منبعی که باشد کارپسندیده بوده، دولت وظیفه دارد تا به اسرع وقت مواد کافی در اختیار آسیب دیدگان آفات طبیعی قراردهد، توزیع این مساعدت ها چه از جانب دولت باشد ویا ازجانب مؤسسات وکشورهای خارجی، باید ازطریق موسسات ویژه مانند هلال احمر صورت گیرد.

توزیع این کمک ها توسط نامزدان انتخابات ویا اعضای پارلمان کار غیر اصولی بوده، نشان می دهد که این کمک ها به منظور برآورده شدن هدف های سیاسی صورت می گیرد نه دستگیری به مردم.

ازسوی دیگر توزیع مساعدت توسط نامزدان ویا نمایندگان پارلمان وکنار گذاشتن موسسات ونهادهای مربوط، نمونهٔ فساد درحکومت افغانستان می باشد. بدون شک نامزدان ونمایندگان این کمک ها را بصورت اصولی توزیع نخواهند کرد، آن ها این مواد را به جای آن که به مستحقین برسانند میان هواداران خویش توزیع خواهند کرد

این گونه حرکت ها به هر بهانهٔ که باشد خلاف قانون بوده جز تحریف افکار مردم چیزی دیگری درپی ندارد.

باید کمیسیون انتخابات ازهمین حالا جلو همچو حرکت ها را بگیرد و نگذارد که پیش از شروع مبارزات انتخاباتی، برخی نامزدان با استفاده از فقر وبیچارگی مردم دست به چنین اقدام های غیر قانونی بزنند ومسیر دموکراتیک انتخابات وتوزیع عادلانه کمک ها را منحرف بسازند.

سیلاب ها و راه های جلوگیری از آسیب های آن



* فیض *

در هفته های اخیر ریزش باران های شدید، سرازیر شدن سیلاب های وحشتناک را سبب گردید که شماری از هموطنان ما کشته و زخمی شدند و شمار دیگر خانه و مزارع شان را از دست دادند.

بنا بر گزارش برخی ادارات دولت، تلفات وخساراتی که در اثر سیلاب های اخیر تثبیت شده، تلفات انسانی ۹۰ نفر ، افراد مفقود شده ۹ نفر ، زخمی ها ۱۴۰ تن ، تلفات مواشی بیش از ۱۰ هزار، تخریب کلی و قسمی خانه ها اضافه از ۲۲ هزار، تخریب زمین های زراعتی بیش از ۱۱۷ هزار جریب ومتضررین بیش از ۳,۵ هزار خانواده را نشان می دهد.

سیلاب های اخیر حدود ۲۰ ولایت کشور را متضرر ساخته است که حکومت در نظر گرفته تا به هر ولایت آسیب دیده از سیلاب، بدون درنظرداشت عمق خسارات وارده بر آن ولایت، مبلغ سه میلیون افغانی طور یکسان کمک نقدی نماید.

در درازنای تاریخ دیده و شنیده شده که طبیعت با پدیده های تباه کن، چون سیلاب، زلزله، باد، خشک سالی، برفکوچ و غیره سر راه انسان ها و حیوانات قرار گرفته و به اشکال مختلف جان و مال برخی را می گیرد، محیط زیست را تهدید می کند و اثرات منفی بر زندگی انسان و حیوان به بار می آورد.

اگر تدابیر اساسی برای جلوگیری از سرازیر شدن سیلاب گرفته نشود چنین حوادث در سال هایی که بارندگی زیاد باشد، تکرار و تلفات جانی و مالی را از خود برجای خواهد گذاشت و فاجعه خواهد آفرید.

بر انسان هاست که باید از عواقب این حوادث غافل نباشند. بر علاوه یی که توجهٔ انسان های ساکن در محلات آسیب پذیر از سیلاب را به این نکتهٔ مهم و حیاتی جلب می کنیم تا دل شان به خود و فامیل و دارایی شان بسوزد و جایی مناسب را برای زیست شان انتخاب کنند، اما دولت در این زمینه بیشتر توجه داشته باشد تا از سرازیر شدن سیلاب و پی آمدهای زیانبار آن جلوگیری نماید.

دولت می تواند با پیاده ساختن برنامه ها و تدابیری از وقوع سیلاب ها و کاهش پی آمدهای آن پیش گیری کند.

به عنوان مثال می توان از گسترش پوشش گیاهی و مراقبت از جنگلات و درختان نام برد، دولت باید جلو قطع جنگلات را بگیرد، مالچرها را نگذارد تبدیل به زمین زراعتی شود، همچنان باید محلاتی که در برابر سیلاب آسیب پذیر اند شناسایی گردد، دیوارهای استنادی محکم ساخته شود، بندهای آبگردان باید احداث گردد تا برعلاوه از استفادهٔ آن از سرعت سیلاب بکاهد، محلاتی که مشکل زیاد دارد برای باشندگان آن جای دیگری تدارک دیده شود.

دولت باید از قبل تشخیص دهد که کدام مناطق در معرض سیلاب قرار دارد، باید پیش از فصل بهار که موسم بارندگی است ضروریات پیش بینی شده را در نزدیک ترین محل جابجا و درحالات وقوع حوادث بدون معطلی آسیب دیده گان را دستگیری کند.